

واگرایی‌های مفهومی غصب و تصرف عدوانی در فقه امامیه (با نگاهی به فقه مقارن و حقوق ایران)

وحید نکونام*

استادیار فقه و حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۳۰ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱)

Conceptual Divergences of Forcible Seizure and Confiscation in Contemporary Jurisprudence and Iranian Law

Vahid Nekounam*

Assistant Professor of Jurisprudence and Law, Hazrat Masoumeh University, Qum, Iran

(Received: 25/Jul/2021

Accepted: 22/May/2022)

Abstract

One of the topics that has many applications in Islamic jurisprudence is the issue of confiscation, which jurists have many discussions Regarding its concept and scope, on the other hand, the issue of forcible seizure has been considered in the laws of civil procedure and the Islamic Penal Code. Now, the important point is whether there is a need for confiscation despite the prediction of the forcible seizure, and what is the logical relationship between these two establishments from a jurisprudential and legal point of view? According to the obtained results, we will see that in the confiscation, convergence can be seen between the definition of Shahid Thani and Hanbali and Shafi'i jurists But in law, there are divergences between the two.

Keywords: Confiscation, Forcible Seizure, Guarantee, Domination.

چکیده

یکی از موضوعاتی که در فقه حقوق اسلام کاربرد فراوانی دارد، موضوع غصب است که فقها بحث‌های فراوانی در خصوص مفهوم و قلمرو آن ارائه کرده‌اند. اهمیت پرداختن به موضوع غصب بدین جهت است که هم در مباحث حقوق خصوصی و ضمان و هم در مسائل کیفری و تحقق جرایمی مثل سرقت و کلاهبرداری مداخلت دارد. همچنین نهاد دیگری با عنوان تصرف عدوانی در قوانین آیین دادرسی مدنی و قانون مجازات اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. حال نکته مهم آن است که آیا با وجود پیش‌بینی غصب دیگر نیازی به تأسیس تصرف عدوانی وجود دارد و رابطه منطقی این دو از منظر فقهی و حقوقی چگونه است؟ با توجه به سؤال مطروحه هدف از این پژوهش ارائه تعریفی جامع از غصب و تصرف عدوانی و نیز تبیین رابطه منطقی این دو تأسیس در فقه مقارن و حقوق موضوعه ایران است. نتایج به دست آمده از این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته، حاکی از آن است که در تبیین غصب میان تعریف شهید ثانی و فقهای حنبلی و شافعی همگرایی دیده می‌شود. همچنین از منظر فقهی واژگان تصرف عدوانی و غصب هر یک در لغت و عرف و شرع معنای واحدی دارند، اما در حقوق واگرایی‌هایی بین این دو ملاحظه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: غصب، تصرف عدوانی، ضمان، استیلا، رابطه غصب و تصرف عدوانی.

مقدمه

دو تاسیس غضب و تصرف عدوانی از کاربردی ترین موضوعات عرصه فقه و حقوق است. عنوان «تصرف عدوانی» در قانون ما دارای دو بعد کیفری و حقوقی است و از جنبه کیفری در طبقه جرایم علیه اموال قرار می‌گیرد. این جرم از شیوع نسبتاً زیادی برخوردار است و به‌رغم اهمیت و گستردگی آن کمتر از سوی حقوقدانان مورد بررسی و دقت نظر قرار گرفته است. اولین قانونی که به بحث تصرف عدوانی پرداخت، قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۳۲۹ ه.ق. بود. پس از مدتی قانون طرز جلوگیری از تصرف عدوانی در سال ۱۳۰۹ ه.ش. به تصویب رسید و صلاحیت رسیدگی به این دعاوی را به دادسراهای شهرستان تفویض کرد. پس از پیروزی انقلاب نیز در قوانین به موضوع تصرف عدوانی توجه شد و قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ در ماده ۱۵۸ دعوای تصرف عدوانی را تعریف کرده و ماده ۶۹۰ تعزیرات نیز به آن بعد کیفری کیفری بخشید.

در کنار این بحث نهاد غضب نیز در قوانین به پیروی از متون فقهی مورد توجه قرار گرفته است. غضب به مانند تصرف عدوانی عملی غیر اخلاقی است و غاصب ملزم به عودت مال و جبران خسارات وارده می‌باشد.

اهمیت بررسی تطبیقی این دو تاسیس بدین جهت است که اولاً در فقه مقارن تعاریف متفاوتی از غضب ارائه شده که این اختلاف در ماهیت و شرایط تحقق غضب تأثیرگذار است. ثانیاً تصرف عدوانی با وجود آنکه در حقوق ایران هم وجهه کیفری و هم مدنی دارد، در فقه چندان مسبوق به سابقه نیست. بنابراین، لازم است مفهوم این دو نهاد و رابطه منطقی آنها و چرایی لزوم پیش‌بینی این دو تاسیس در قانون مورد بررسی قرار گیرد.

با وجود آنکه در عرصه تعریف و تبیین غضب و تصرف عدوانی آثاری به رشته تحریر در آمده است، لیکن این پژوهش به جهت مقایسه تطبیقی دو نهاد از منظر فقهی و حقوقی بدیع است.

بررسی فقهی

در این نوشتار ابتدا به معنای لغوی واژگان، سپس به کاربرد آنها در کتاب و سنت، پس از آن به معنای اصلاحی فقهی و کاربرد آنها در فقه و در نهایت به رابطه آنها با یکدیگر می‌پردازیم.

۱. مفهوم‌شناسی غضب و تصرف عدوانی

در ذیل تعاریف غضب و تصرف عدوانی بیان شده و در نهایت تعریف مختار تبیین می‌شود.

۱-۱. معنای لغوی

کتب لغت در معنای عدوان گفته‌اند: العدوان: الظلم الصراح. «ستم آشکار» و عدا «علیه» عدواً (جوهری، ۱۴۱۸ق: ۱۷۵۹/۲؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۳۷۴/۴) و عدواناً آی: ظلم ظلماً «ستم کرد»، جاوز فیه القدر «از حد گذشت». (ابن منظور، ۱۴۱۶ق: ۹۲/۹؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۲ق: ۵۲۱/۴)

و در ماده صرف: ردّ الشئ عن وجهه «برگرداندن چیزی از حالت اولیه» (ابن منظور، ۱۴۱۶ق: ۳۲۸/۷)، قلب (فیروزآبادی، ۱۴۱۲ق: ۲۳۶/۳)، «دگرگونی» و حبله (جوهری، ۱۴۱۸ق: ۱/۲) و «چاره‌جویی» از جمله معانی برشمرده شده است، اما همچنان که بر اهلش پوشیده نیست، گاه لفظی به دلالت التزامی بر معنای لازم خود دلالت می‌کند و چه بسا با وضع تعینی به دلالت مطابقی. ماده صرف نیز از همان موارد است. لازمه دگرگونی و چاره‌جویی، انجام کار و عمل است، همچنان که لازمه دیگر آن تسلط و استیلاء است. به عبارت دیگر، تا تسلط و استیلاء بر چیزی نباشد و کاری بر روی آن صورت نگیرد، دگرگونی و چاره‌جویی معنا نخواهد داشت.

بنابراین، گفته شده: «فلانٌ یصرف و یتصرف و یصطرف لعیاله آی: یکتسب لهم». (ابن منظور، ۱۴۱۶ق: ۳۲۸/۷) جالب است که «یصرف و یتصرف» که به معنی کار می‌کند، است نیز به لازم آن یعنی کسب و درآمد ترجمه شده است. در نتیجه «تصرف» یعنی کار (مهیار، ۱۴۱۰ق: ۲۳۳) و ترکیب اضافی «تصرف عدوانی» به معنای کار ستمگرانه است.

و بالاخره در معنای غضب آمده است: «الغضب اخذ الشئ ظلماً». (ابن منظور، ۱۴۱۶ق: ۷۷/۱۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۲ق: ۲۶۵/۱) (گرفتن چیزی به ستم) که بعضی «و قهراً» (به زور) را هم اضافه کرده‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۶ق: ۷۷/۱۰)

واژه تصرف در قرآن کریم به کار نرفته است، لیکن کلمه عدوان در کتاب حکیم سه بار به شرح زیر به کار رفته است:

الف) وَ مَنْ یَفْعَلْ ذَٰلِكَ عُذُوًّا وَ ظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّیْهِ نَارًا... و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، به زودی او را در آتش وارد خواهیم ساخت... (نساء، ۳۰)

ب) ... اَیْمًا الْأَجْلَیْنِ قَضِیَّتْ فَلَا عُذُوَانَ عَلَیْ...؛ هر کدام از این دو مدت را انجام دهم، ستمی بر من نخواهد بود (و من در انتخاب آن آزادم). (قصص، ۲۸)

ج) ... فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُذُوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِیْنَ؛ ... پس اگر از روش نادرست خود دست برداشتند، مزاحم آنها نشوید؛ زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست. (بقره، ۱۹۳)

و ماده غضب تنها یک بار: ... وَ كَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِکٌ یَأْخُذُ كُلَّ

از آنجا که هدف این مقاله، تنقیح عناوین مذکور است به تفصیل متعرض آرای فقها در تعریف غصب می‌شویم، گرچه جانب اختصار را رعایت کرده و شأن دروس تخصصی فقهی را به اهل فن واگذار می‌کنیم.

ابتدا تعاریف مختلف را ارائه کرده، سپس به تحلیل و نقد آنها می‌پردازیم. لازم به ذکر است در ادامه تعاریف به خاطر عدم اطاله، اشتراک در الفاظ تعاریف لحاظ شده و قائلین به یک تعریف، یک جا نام برده شده‌اند؛ البته تقدم زمانی فقها در نظر گرفته شده است. روشن است از تفاوت‌های اندک لفظی اغماض شده است.

اهمیت تحلیل و نقد و بررسی آرای مختلف زمانی روشن‌تر می‌شود که دریابیم بعضی جوانب مفهوم غصب برای برخی فقها محل تردید بوده و لذا تعاریف‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند. پس لازم است با تحلیل، ابهام‌ها برطرف شود.

الف) تعریف اصطلاحی غصب از منظر فقهای شیعه

اولین فقیه شیعی که غصب را تعریف کرد، ابن حمزه طوسی (ره)، فقیه قرن ششم است. وی چنین می‌نویسد: «العصب الاحتواء علی مال الغیر من غیر تراض» (طوسی، ۱۴۰۸ق: ۲۷۶)؛ غصب در برگرفتن مال غیر بدون رضایت اوست.

پس از ایشان محقق حلی در دو کتاب *شرائع الاسلام* (محقق حلی، ۱۴۰۸ق: ۱۸۴/۳) و *المختصر النافع* (محقق حلی، ۱۴۱۳ق: ۲۵۵/۲)، علامه حلی در *قواعد الاحکام* (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ۲۲۱/۲)، شهید اول در *الدروس* (عاملی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۵/۳)، *اللمعه* (عاملی، ۱۴۱۰ق: ۲۲۱)، فاضل مقداد در *التنقیح الراء* (فاضل مقداد، ۱۴۰۴ ق: ۶۴/۴)، ابن فهد در *المهذب* (حلی، ۱۴۰۷ق: ۲۴۵/۴) و فقعی در *الدر المنصود* (فقعی، ۱۴۱۸ ق: ۱۵۱) مرقوم فرموده‌اند: «العصب هو الاستقلال باثبات الید علی مال الغیر عدواناً»؛ غصب عبارت است از اینکه مستقلاً از روی ستم دست بر مال غیر بگذارد.

پس از محقق حلی صاحب الجامع با حذف کلمه «استقلال» از تعریف غصب می‌گوید: «اثبات الید التعدی علی مال الغیر» (حلی، ۱۴۰۵ق: ۳۳۹)؛ گذاشتن دست تجاوز بر مال دیگران؛ در التوضیح النافع (فرطوسی، ۱۴۱۶ق: ۳۴۵) نیز همین تعریف آمده است.

اما علامه حلی در تلخیص المرام تعریف دیگری ارائه می‌کند که با تعریف ابی البرکات (ابی البرکات، ۱۳۶۹ق: ۳۶۱) و ابن قدامه (ابن قدامه، ۱۳۸۸ق: ۲۳۲/۲) دو فقیه حنبلی و اردبیلی شافعی (اردبیلی، ۱۳۲۱ق: ۳۵۳/۱) و المرتضی

سفینة غصبا؛ ... پشت سرشان پادشاهی (ستمگر) بود که هر کشتی (سالمی) را به زور می‌گرفت. (کَهِف، ۷۹)

این واژه‌ها و یا همجنس‌های آنها در موارد متعددی از سنت به کار رفته‌اند که ما تنها به نمونه‌ای از هر یک اکتفا می‌کنیم.

العدوان: قال ابو عبدالله علیه السلام: اعرفوا العقل و جنده و الجهل و جنده تهتدوا... و القصر و ضره العدوان... (کلینی، ۱۴۱۷ق: ۲۲/۱) امام صادق علیه السلام فرمودند: عقل و سپاه آن را و جهل و سپاه آن را بشناسید تا هدایت شوید... و اعتدال و میانه‌روی و ضد آن ستمکاری ... (حضرت، اعتدال را جزء سپاه عقل و عدوان را جزو سپاه جهل برمی‌شمرند).

التصرف: عن ابی بصیر قال سمعت اباجعفر علیه السلام یقول: کان علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله مؤمن فقیر شدید الحاجة... تصرف لرزق الله... (کلینی، ۱۴۱۷ق: ۳۱۲/۵) ابابصیر می‌گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مؤمن فقیری که سخت نیازمند بود وجود داشت... پیامبر اکرم به او فرمود: برای به دست آوردن روزی خدا کار کن... لازم به ذکر است که ترکیب اضافی «تصرف عدوانی» در جامع روایات ما موجود نیست.

الغصب: قال امیرالمؤمنین علی علیه السلام، الحجر الغصب فی الدار رهن علی خرابها. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: سنگ غصبی در بنای خانه مایه ویران شدن آن است. (نهج البلاغه، حکمت ۲۴۰)

با بررسی و تأمل در موارد استعمال این کلمات درمی‌یابیم که در همان معنای لغوی به کار رفته‌اند و نه تنها حقیقت شرعی (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۹/۳۷)، بلکه حقیقت متشرعیه (مشکینی، ۱۴۱۹ق: ۳۹۲) نیز برای آنها ثابت نیست.

۱-۲. معنای اصطلاحی

در فقه از عدوان و تصرف عدوانی تعریف اصطلاحی ارائه نشده و در همان معنای لغوی استعمال شده‌اند، اما در مورد غصب برخی فقها بر این باورند که مفهوم لغوی، عرفی و شرعی غصب یکی است و برای فقها اصطلاح خاصی وجود ندارد (سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۲۸۷/۲۱) و به طور کلی تعاریف‌های فقهی، تعریف‌های شرح الاسمی هستند که تنها بعضی از خواص و آثار معرف را بیان می‌کنند. (مغنیه، ۱۴۲۱: ۳/۲۵)

گرچه ما این مطلب را فی‌الجمله قبول داریم، اما بر این باوریم که شأن کتب فقهی و هر کتاب تخصصی غیر از شأن کتب لغت و قاموس‌های عمومی است. بنابراین، اگر تعریفی بیان می‌شود تا جای ممکن باید جامع و مانع باشد.

فقه‌ها ارائه شده از آن ابن حزم ظاهری مذهب باشد؛ «الغصب اخذ الشيء بغير حقه ظلماً» (ابن حزم، ۱۳۵۰: ۱۴۴/۸)؛ غضب گرفتن چیزی بدون داشتن حقی با ستمگری است، اما کاسانی از فقهای حنفی قرن ششم می‌نویسد که ابوحنیفه و ابویوسف چنین گفته‌اند: «الغصب ازالة يد المالك عن ماله المتقوم على سبيل المجاهره و المغالبه يفعل في المال» (کاسانی، ۱۳۲۸: ۱۴۳/۷)؛ غضب عبارت است از خارج کردن مال متقوم از دست مالک به زور به گونه‌ای که در مال کاری صورت دهد.

مقصود از مال متقوم در مذهب حنفی آن مالی است که شرعاً انتفاع بردن به آن مباح است. (ابو جیب، ۱۴۰۸: ۲۷۵) این دو، شرط کرده‌اند که مغضوب باید قابل نقل و تحویل باشد، اما محمد حسن شیبانی فعل فی المال و نقل را شرط ندانسته است و ظاهراً فقهای متأخر حنفی قول شیبانی را اختیار کرده‌اند. (شراده، ۱۴۱۴: ۲۷)

ابن جزئی فقیه مالکی قرن هشتم در تعریف غضب می‌گوید: «اخذ رقبه الملك او منفعته بغير اذن المالك على وجه الغلبه والقهر دون حرايه» (الغرناطی، ۱۴۲۳: ۲۸۲)؛ در اختیار گرفتن ملک یا منفعت آن بدون اجازه مالک به زور به استثناء حرايه - گفته شده حرايه یعنی تسلب بر چیزی به خاطر ترس از فوت آن. (عبدالرحمن، بی‌تا: ۱۶/۳)

بسیاری از فقهای حنبلی از جمله ابن نجار (ابن نجار، ۱۳۸۱: ۱/ ۵۰۸)، المرادوی (المرادوی، ۱۳۷۴: ۶/ ۱۲۴)، همچنين رملی معروف به شافعی صغیر (الرملی، ۱۳۵۷: ۱۴۳/۵) و صاحب الروض (العنقری، ۱۳۷۵: ۳۵۰/۲) تعریف شهید ثانی را بیان کرده‌اند که: «الغصب الاستيلاء على حق الغير عدواناً (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۹/۷)؛ غضب عبارت از تسلط ستمگرانه بر حق دیگری است.

انصاری (الانصاری، ۱۳۶۷: ۲۳۱/۱) شافعی نیز تعریف فیض کاشانی را بیان و از آن دفاع کرده است: «الغصب الاستيلاء على حق الغير بغير حق»؛ غضب گرفتن حق دیگران است بدون اینکه حق با او باشد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲۰۷)

۲. تحلیل و نقد تعاریف غضب

برآن هستیم تا ضمن تحلیلی جامع، طریق اختصار را در پیش گیریم. در صورت نیاز برای پیگیری بیشتر می‌توان به مفصلات (نجفی، ۱۴۰۴: ۷/۳۷؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۱۲/ ۱۴۵) رجوع کرد. بنابراین، از پرداختن موردی به تک تک تعاریف پرهیز کرده همه مطالب قابل توجه را یکجا مطرح می‌کنیم.

در مقایسه تعاریف ارائه شده دو مطلب به نظر می‌رسد:

الف) برخی تعابیر گرچه از حیث لفظ متفاوت‌اند، اما از حیث

(المرتضی، ۱۹۴۷م: ۱۴۴/۴) زیدی منطبق است. ایشان بیان می‌دارد: «الغصب هو التسلط على مال الغير عدواناً» (علامه حلی، ۱۴۲۱ق: ۱۶۷)؛ غضب عبارت است از مسلط شدن بر مال دیگران به ستم.

وی همچنین در تبصره المتعلمین تعریفی ارائه می‌دهد که منطبق با همین تعریف است: «الغصب يتحقق بالاستيلاء على مال الغير ظلماً و ان كان عقراً» (علامه حلی، ۱۴۱۱ق: ۱۱۲)؛ غضب با سلطه پیدا کردن بر مال غیر به ستم محقق می‌شود، گرچه این مال، غیرمنقول باشد.

برخی معاصرین مثل آیت‌الله خویی (خویی، ۱۴۱۰ق: ۱۴۶/۲)، آیت‌الله سید محسن حکیم (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۰ق: ۱۷۷/۲) و سید محمدسعید حکیم (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۵ق: ۱۴۹/۳) نیز مثل تعریف تبصره را بیان کرده‌اند.

علامه حلی با توسعه‌ای در تعریف قبلی در تحریر الاحکام بیان می‌کند: «الغصب هو الاستيلاء على مال الغير بغير حق». (علامه حلی، بی‌تا: ۱۳۷/۲) در کنزالعرفان (فاضل مقداد، ۱۴۲۵ق: ۲۸۳/۲) و مسالک الافهام (عاملی، ۱۴۱۳ق: ۱۲/ ۱۴۹) نیز همین تعریف آورده شده است.

شهید ثانی در آخرین کتاب فقهی خود تعریف جامعی دارد که صاحب ریاض (طباطبایی، ۱۴۱۸ق: ۶/۱۶) نیز همین تعریف را ارائه کرده‌اند: «الغصب الاستيلاء على حق الغير عدواناً (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ۱۹/۷)؛ غضب عبارت از تسلط ستمگرانه بر حق دیگری است.

فیض کاشانی توسعه یافته این تعریف را در النخبه (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق: ۲۰۷) آورده و در مفاتیح (فیض کاشانی، بی‌تا: ۱۷۰/۳) آن را به جماعتی نسبت داده، سبزواری (سبزواری، ۱۴۲۳ق: ۶۳۲/۲) نیز این تعریف را بیان کرده است: «الغصب الاستيلاء على حق الغير بغير حق»؛ غضب گرفتن حق دیگران است بدون اینکه حق با او باشد.

و بالاخره بسیاری از فقهای معاصر از جمله امام خمینی (امام خمینی، بی‌تا: ۱۷۲/۲) و آیات عظام گلپایگانی (گلپایگانی، ۱۴۱۳ق: ۲۴۵/۲)، اراکی (اراکي، ۱۴۰۶ق: ۱۴۸/۲)، مرعشی نجفی (مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق: ۱۴۸/۲)، مشکینی (مشکینی، ۱۴۱۸ق: ۴۲۹) و سیستانی (سیستانی، ۱۴۲۲ق: ۴۳۳) فرموده‌اند: «الغصب هو الاستيلاء عدواناً على مال الغير او حقه»؛ غضب تسلط ستمگرانه به مال یا حق دیگران است.

ب) تعریف اصطلاحی غضب از منظر سایر فرق اسلامی

شاید نزدیک‌ترین تعریف به تعریف لغوی غضب که از سوی

غاصب محسوب نمی‌شود.

ب) استقلال باثبات الید - استیلاء: گفته شده مراد از استقلال عدم مشارک غاصب با مالک است؛ یعنی وقتی غصب تحقق می‌یابد که غاصب مستقلاً سلطه یابد (عاملی، ۱۴۱۳ق: ۱۴۵/۱۲)، اما به تعریف غصب با این قید نقض وارد شده که جامع نیست، مثل موردی که چند غاصب مشارکت در غصب نمایند. واضح است که عنوان غصب محقق است، لکن استقلال وجود ندارد. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ۱۵/۷؛ نجفی، ۱۴۰۴ق: ۱۱/۳۷)

گرچه می‌توان به این اشکال پاسخ داد که مقصود از استقلال، استقلال از مالک است نه اینکه مراد وحدت غاصب باشد، لکن نقض‌های دیگری وارد کرده‌اند، مثل کسی که اذن به غصب می‌دهد که در واقع اذن دهنده غاصب و ضامن است. در حالی که متصرف و مثبت ید کس دیگری است. (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۱۱/۳۷) به نظر می‌رسد که این نقض نیز وارد نیست؛ چرا که اگر قوت سبب یعنی اذن باعث شود که عنوان غصب از مباشر منصرف شده و به مسبب نسبت داده شود، پس هم اوست که قوت ید دارد و ید مباشر ضعیف به حساب نمی‌آید. پس عنوان اثبات ید نیز برای مسبب ثابت است نه مباشر.

نگارنده بر آن است که این دو تعبیر تفاوت ماهوی ندارند و در واقع این دو کلمه داخل در مشابهات‌اند نه مفارقات، لکن غالب فقها به لفظ استیلاء عدول کرده‌اند.

ج) مال - حق: فرموده‌اند مراد از مال، هم عین آن و هم منفعت آن است. (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۱۰/۳۷) لفظ حق اعم از مال است و علاوه بر مال و منفعت اموری مثل حق تحجیر، حق اولویت در مسجد و ... را نیز در بر می‌گیرد، اما آیا استیلاء بر مال غیر، غصب است یا فراتر، استیلاء بر حق غیر را نیز در بر می‌گیرد؟ سنت و تبادل مثبت دومی است.

در کافی برای زیارت امیرالمؤمنین علیه‌السلام روایتی از امام هادی علیه‌السلام آمده است که زائر می‌گوید: «السلام علیک یا ولی الله انت اول مظلوم و اول من غصب حقه». (کلینی، ۱۴۱۷ق: ۵۶۹/۴) همچنین در تفسیر قمی از امام رضا علیه‌السلام روایت شده که در تفسیر آیه الکرسی فرموده‌اند: «فمن یکفر بالطاغوت و هم الذین غصبوا آل محمد حقه» (قمی، ۱۴۰۴ق: ۸۴/۱) در موارد دیگری در این تفسیر نیز تعبیر غصب حق آمده که بی‌نیاز از رجوع هستیم.

پس غصب هم شامل غصب مال می‌شود (که روایتی در غصب مال قبلاً ذکر کردیم) و هم غصب حق و این کلامی است که برخی از فقها به آن اذعان کرده‌اند. میرزای قمی می‌فرماید:

مفهوم مترادفند که ما آن را با عنوان مشابهات مطرح می‌کنیم. (ب) برخی تعابیر متفاوت حکایت از مفاهیم متفاوت و در نتیجه آرای متفاوت فقها دارند که آن را مفارقات می‌نامیم. با بررسی این دو، نتیجه که حصول تعریفی جامع و مانع است خواهد بود.

۲-۱. مشابهات

الف) الاحتواء - التسلط - الاستیلاء - الاخذ سه لفظ اول که واضح است معنای لغوی واحدی دارند و «اخذ» نیز مصداق اتم استیلاء است. همچنان که تصریح شده به اینکه: «مراد از اخذ استیلاء و تسلط پیدا کردن بر چیزی است، گرچه اخذ و گرفتن بالفعل صورت نگرفته باشد». (الدردیر، ۱۹۷۲م: ۸۴/۴) بنابراین، می‌توان کلمه استیلاء را که غالب فقها نیز آن را استعمال کرده‌اند تعبیر جامع دانست.

ب) عدوان - ظلم - قهر - مجاهره - مغالبه - بغیر تراض دو واژه عدوان و ظلم چنان که در بحث لغوی گذشت مترادفند، اما واژگان قهر، مجاهره و مغالبه که حاکی از اعمال قدرت هستند همگی مصداق بغیر تراض می‌باشند. از سه واژه عدوان، ظلم و بغیر تراض، واژه عدوان در السنه فقها متداول شده است.

۲-۲. مفارقات

الف) ازاله ید مالک - اثبات ید غاصب: ازاله ید مالک اعم از اثبات ید غاصب و عدم اثبات است. صاحب جواهر می‌فرماید: «اصل این است که با عدم اثبات ید غاصب غصب محقق نشده و این مطلب در مسالک به مشهور نسبت داده شده است». (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۱۴/۳۷)

در اینکه آیا برای تحقق غصب ازاله ید مالک و اثبات ید باطل لازم است یا خیر اختلاف دیدگاه وجود دارد. برخی فقهای حنفی هر دو جزء را لازم می‌دانند و معتقدند در صورت فقد هر یک غصب منتفی است. (سمرقندی، بی‌تا: ۱۲۶/۳؛ بغدادی، ۱۳۰۸ق: ۱۱۷)

در مقابل بسیاری از فقهای شافعی، حنبلی و مالکی اثبات ید باطل را برای تحقق غصب کافی دانسته‌اند. (حجاوی، بی‌تا: ۳۳۸/۲؛ الدردیر، ۱۹۷۲م: ۸۴/۴؛ الانصاری، ۱۳۶۷ق: ۲۳۱/۱) از منظر فقهای شیعه نیز اثبات ید از عناصر غصب است. (عاملی، ۱۴۱۳ق: ۱۲/۱۴۹؛ علامه حلی، بی‌تا: ۱۳۷/۲)

قانون مدنی در ماده ۳۰۲ نیز چنین رویکردی دارد. این ماده بیان می‌دارد: هرگاه شخصی مالک را از تصرف در مال خود مانع شود، بدون آنکه خود او تسلط بر مال او پیدا کند،

«لا فرق فی النصب بین غصب الحق و الملک». (گیلانی، ۱۴۲۰ق: ۹۶) پس عدول فقها از مال به حق صحیح است. (د عدوان - بغیر حق: شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ۱۴۹/۱۲) و دیگران گفته‌اند بغیر حق اعم از عدوان است و جهل و خطا و نسیان را نیز دربرمی‌گیرد. بنابراین، به طور مثال اگر کسی لباس دیگری را با تصور اینکه مال خودش است به اشتباه بپوشد استیلائی او عدوانی نبوده و در نتیجه غصب نخواهد بود، اما بغیر حق است، پس اگر قید بغیر حق را انتخاب کنیم، عنوان غصب هم خواهد داشت. محقق اردبیلی (ره) تفاوت عملی بین این دو قید را منکر است؛ ایشان معتقد است کسی که ظن دارد که مال غیر، مال خود اوست، با رخصت شارع در عمل به ظن، عمل او کاملاً شرعی و بحق است. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ۴۹۲/۱۰) پس استیلا با جهل و خطا و نسیان با رخصت شارع، تصرف بحق است و تفاوتی از این جهت بین این دو قید نیست.

برخی فقها بیان کرده‌اند که جاهل و خاطی و ناسی گرچه ضامن هستند، ولی غاصب نیستند و عرفاً صدق غصب بر جهل و خطا و نسیان نمی‌شود (حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ق: ۶/۱۴)؛ چرا که غصب از افعال محرّمه در کتاب، سنت، اجماع و عقل است، پس شامل غیر عالم نمی‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ۱۷/۷) و او آثم و گناهکار شمرده نمی‌شود. (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۱۳/۳۷) از آنچه گذشت معلوم می‌شود که اگر بخواهیم تعریفی از غصب ارائه دهیم، بهتر است بگوییم: «الغصب هو استیلاء علی حق غیر عدواناً» که همان تعبیر شهید ثانی، صاحب ریاض، بسیاری از فقهای حنبلی و برخی از بزرگان شافعی است و اغلب تعابیر معاصرین به آن بازمی‌گردد.

۳. رابطه غصب و ضمان

سرّ اینکه برخی فقها تعاریفی ارائه کرده‌اند که فراتر از غصب، پاره‌ای دیگر از اسباب ضمان را دربرگرفته شاید کلام صاحب جامع المدارک رهنمون باشد که اساس بحث فقها ضمان بوده (که البته غالباً ناشی از غصب است). بنابراین، حقیقت غصب و جامع و مانع بودن تعریف آن مطرح نبوده، بلکه آنچه لحاظ شده حدیث علی‌البد ما اخذت و غیره بوده است. (خوانساری، ۱۴۰۵ق: ۱۹۱/۵)

فقهای اهل سنت نیز محوریت غصب را بر ضمان استوار کرده‌اند. بنابراین، تأکید دارند اثبات ید نسبت به مال هر چند به ناحق در فرضی که از اختیار صاحب مال خارج نشود، موجب ضمان نیست. (سمرقندی، ۱۴۰۵ق: ۹۱/۳)

با بررسی بحث ضمان و اینکه چه بسا در برخی کتب متقدم مسائل غصب در تحت بحث ضمان قرار گرفته و یا در برخی کتب متأخر در تحت باب غصب مسائل ضمان مطرح شده و در هم تنیدگی این دو بحث بر صحت کلام آیت‌الله خوانساری پی می‌بریم. به خصوص که بعضی فقها تأکید کرده‌اند که هر ضامنی غاصب نیست و یا اسباب ضمان منحصر در غصب نیست. (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق: ۴۹۳/۱۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ۱/۷)

فقیه معاصر می‌فرماید: آن [غصب] اخصّ است موضوعاً و حکماً از مطلق اخذ محکوم به ضمان. (بهجت، ۱۴۲۶ق: ۵۷۵/۴) شاید مقصود از اینکه غصب موضوعاً اخص است، این باشد که در ضمان نیاز به استقلال به اثبات ید و یا استیلاء و همچنین عدوان نیست و مراد از اخصّ در حکم آن است که هر موجب ضمانی، بر خلاف غصب، محکوم به حرمت نیست. صاحب جواهر می‌فرماید: از کلام جمیع فقها فهمیده می‌شود که کسی که مالی را مباشرتاً تلف کرده و یا سبب تلف بوده بدون اینکه استیلاء داشته باشد، غاصب نیست، گرچه بنابر قاعده اتلاف یا اضرار ضامن است. (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۱۳/۳۷) بنابراین رابطه غصب و ضمان عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر غصبی موجب ضمان است، ولی هر موجب ضمانی غصب نیست.

۱-۳. رابطه غصب و تصرف عدوانی

همان‌گونه که بیان شد که ترکیب اضافی «تصرف عدوانی» در جامع روایات ما موجود نیست. همچنین در فقه از عدوان و تصرف عدوانی تعریف اصطلاحی ارائه نگردیده و در همان معنای لغوی استعمال شده‌اند. واژه تصرف عدوانی بعد از شیخ انصاری رایج شده است، گرچه نگارنده اولین استعمال را در کلمات محقق ثانی یافت. (محقق ثانی، ۱۴۱۴ق: ۲۹۸/۶) واژه عدوان در ابواب مختلف فقه به کار رفته است؛ از جمله باب متاجر، جهاد، نکاح، رهن، عاریه، ارث و هر بابی که سخن از تعدی و تجاوز رفته است و شامل تعدی به حقوق الله و حقوق الناس می‌شود که حکم تکلیفی حرمت دارد و شامل مکروهات نمی‌شود؛ چرا که شارع برای ارتکاب و ورود به آن رخصت داده است. بنابراین، عدوان و تجاوز معنا ندارد. اگر تعدی به حق غیر شد، تحت عنوان ضرر و اگر به نحو استیلاء باشد، عنوان غصب دارد. فقهای اهل سنت نیز همین رویکرد را دارند. (الزلیعی، ۱۳۱۳ق: ۲۲۷/۵؛ قزاقی، ۱۹۹۴م: ۲۳/۹) بنابراین رابطه عدوان و غصب عموم و خصوص مطلق

در تصرف عدوانی تنها سبق تصرف خواهان و لحوق تصرف خوانده مورد توجه است. (رودیجانی، ۱۳۹۲: ۷۶)

این بیان در مورد تصرف عدوانی مبتنی بر قانون آیین دادرسی مدنی صحیح است و از این جهت بین غصب و تصرف عدوانی واگرایی وجود دارد، لیکن در بحث جرم تصرف عدوانی موضوع منشأ اختلافات فراوانی شده است.

در این باره احتمالات مختلفی طرح شده است:

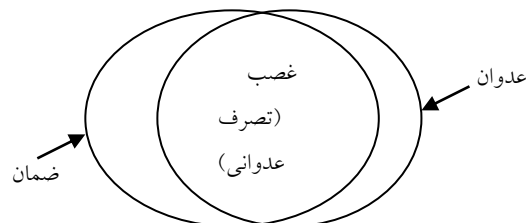
الف) لزوم مالکیت شاکی: بسیاری از حقوقدانان این دیدگاه را پذیرفته‌اند و مالکیت را شرط می‌دانند. بنابراین، در ابتدا شاکی باید اثبات نماید که مال متعلق به اوست (زراعت، ۱۳۸۳: ۱۸؛ شمس، ۱۳۸۲: ۳۸۵؛ گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۴۳۱؛ شکر، ۱۳۸۳: ۷۸۸؛ حجتی، ۱۳۸۴: ۱۲۹۲) و نظریه قریب به اتفاق قضات دادگستری تهران در مورخ ۱۳۷۸/۸/۳۰ و ۱۳۷۶/۲/۳۱ نیز همین بوده است. (همان: ۱۲۹۳؛ معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، ۱۳۸۲: ۴۹)

این عده از حقوقدانان معتقدند که عبارت (متعلق به) مذکور در ماده ۶۹۰ ظهور در مالکیت دارد. همچنین عبارت به کار رفته در ماده ۶۹۱ نیز می‌تواند اماره‌ای بر آن باشد که دعوای تصرف عدوانی تنها از سوی مالک پذیرفته می‌شود؛ زیرا ماده اخیر به تصرف اشاره کرده در حالی که ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی به تصرف اشاره ندارد. از سوی دیگر، با عدم پذیرش شرط مالکیت این نتیجه حاصل می‌شود که قانونگذار برای رسیدگی به تصرف عدوانی سه راهکار (رسیدگی از طریق آیین دادرسی مدنی، قانون مجازات اسلامی و قانون جلوگیری از تصرف عدوانی ۱۳۵۲) پیش‌بینی کرده و در هیچ یک مالکیت شرط نیست و در نهایت اصل تفسیر به نفع متهم نیز ایجاب می‌کند که عبارات ماده ۶۹۰ را تنها به مالک حمل کنیم و از تسری آن به متصرف خودداری کنیم.

ب) لزوم متصرف بودن شاکی: اصولاً فلسفه وضع جرم تصرف عدوانی حمایت از تصرفات قانونی است و سایر قوانین مربوط به تصرف عدوانی چه در گذشته و چه حال برای تصرف اهمیت خاص قائل بودند و این امر باعث حفظ نظم جامعه می‌شد؛ البته این تصرف زمانی محترم است که با تمامی شرایط و ارکان تحقق یابد و پس از اجتماع شرایط مدتی ادامه یابد تا فرد، متصرف قلمداد شود. پس کسی که به منظور استیلا بر مال غیر، مزاحم تصرفات قانونی می‌شود، هر چند این مدت طولانی باشد چون فاقد ارکان تصرف است، برای وی سبق تصرف ایجاد نمی‌کند.

یکی از حقوقدانان ماده ۶۹۰ را به دو بخش تقسیم می‌کند.

است؛ یعنی هر غصبی عدوان است، لکن هر عدوانی غصب نیست. بنابراین می‌توان گفت: فقها این واژه را معادل معنای غصب به کار برده‌اند.



بررسی حقوقی

قانونگذار در دو ماده ۳۰۸ قانون مدنی غصب و در ماده ۱۵۸ آیین دادرسی مدنی تصرف عدوانی را تعریف کرده است. ماده ۳۰۸ قانون مدنی در تعریف غصب بیان می‌دارد: استیلا بر حق غیر است به نحو عدوان، اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است.

ماده ۱۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی نیز بیان می‌دارد: دعوای تصرف عدوانی عبارت است از ادعای متصرف سابق مبنی بر اینکه دیگری بدون رضایت او مال غیر منقول را از تصرف وی خارج کرده و اعاده تصرف خود را نسبت به آن مال درخواست می‌کند.

گفته شد که از منظر فقهی واژگان عدوان، تصرف عدوانی و غصب هر یک در لغت و عرف و شرع معنای واحدی دارند. حال سؤال این است که از منظر قانون رابطه غصب و تصرف عدوانی چگونه است؟

در پاسخ به این پرسش چند تفاوت به ذهن متبادر می‌شود: اول: امروزه با پیشرفت وسایل ارتباطی و ایجاد حقوق غیر مالی مانند حق مالکیت فکری و سایر حقوق معنوی، می‌توان مانع سوء استفاده دیگران از این حقوق شد. در غصب نیز همین اندازه که اثبات ید بر حق دیگری صورت گیرد، از غاصب ازاله ید صورت می‌گیرد. بر این اساس علاوه بر اموال غیر منقول، اموال منقول و حقوق معنوی مانند حق تألیف نیز قابل غصب است (ابهری، ۱۳۷۸: ۲۷)؛ این در حالی است که در دعوای تصرف عدوانی موضوع مال غیر منقول است.

دوم: در غصب بحث مالکیت مطرح است. به همین دلیل در رأی شماره ۴۱۹-۱۳۶۹/۷/۱۷ آمده است: صدور حکم به خلع ید (به دلیل غصبی بودن ملک) موکول به احراز مالکیت متقاضیان خلع ید است. (قاسم‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۱۷) در حالی که در دعوای تصرف عدوانی، موضوع دعوا شناسایی مالک نیست، بلکه هدف حمایت از متصرف است و اگر به اسناد و دلایل مالکیت رسیدگی می‌شود، تنها به همین منظور است. بنابراین

در صدر ماده شرط اصلی مجرمیت را مالکیت شاکی دانسته و در ذیل آن اثبات سبق تصرفات شاکی را کافی می‌داند. (طبرانیان، ۱۳۷۶: ۳۴۹)

به نظر می‌رسد این دیدگاه فاقد وجاهت است و ذیل ماده که بیان می‌دارد: یا اقدام به هر گونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در موارد مذکور نماید، در واقع تکمیل‌کننده شروط سابق است و عبارت (در موارد مذکور) نیز مؤید این دیدگاه است.

از میان دیدگاه‌های مطرح‌شده به نظر می‌رسد که پذیرش دیدگاه اول صحیح است و شاکی باید لزوماً مالک مال باشد و البته این به آن معنا نیست که لزوماً سند رسمی در اختیار داشته باشد، چه آنکه اگر این‌گونه باشد، هیچ چیز نمی‌تواند سند رسمی را نفی کند، مگر آن که ادعای جعل نسبت به آن صورت گرفته باشد. همچنین چون در ماده ۶۹۰ رسیدگی کیفری مد نظر است و دعوای تصرف عدوانی به طور خاص در آیین دادرسی مدنی نیز پیش‌بینی شده و رسیدگی در آنجا بدون نوبت است، باید موارد ماده ۶۹۰ را بر جایی حمل نماییم که شاکی، مالک است. تعبیر به کار رفته در ماده (مثل تعلق داشتن مال) به این دیدگاه کمک می‌کند. بنابراین، بین غضب و تصرف عدوانی حقوقی در خصوص شاکی تفاوت وجود دارد.

نتیجه آنکه در دعوای حقوقی تصرف عدوانی برخلاف غضب لزومی به مالکیت شاکی نیست، این در حالی است که در دعوای کیفری، شاکی به مانند غضب باید مالک باشد.

سوم: تفاوت دیگر آنکه در غضب، مالک می‌تواند علیه کلیه غاصبان اقامه دعوا کند (مواد ۳۱۷ و ۳۱۸ قانون مدنی)، در حالی که در دعوای تصرف عدوانی تنها متصرف فعلی طرف دعوا قرار می‌گیرد.

چهارم: غضب در اموال منقول و غیر منقول، اما تصرف عدوانی تنها در اموال غیر منقول واقع می‌شود. ممکن است به این سخن این ایراد شود که ماده یک قانون اصلاح قانون جلوگیری از تصرف عدوانی صراحتاً به تصرف عدوانی مال منقول اشاره کرده است و اگر هم گفته شود که قانون مذکور نسخ شده است، اما باز هم باید تأکید کرد که در گذشته دعوای تصرف عدوانی در مال منقول پذیرفته شده بود و این امر با دیدگاه فقه نیز که غضب و تصرف عدوانی را به یک معنا دانسته و غضب و در نتیجه تصرف عدوانی را در اموال منقول و غیر منقول قابل تحقق می‌داند هماهنگی دارد، اما با این وجود این نکته قابل توجه است که تصرف عدوانی موضوع مواد ۱۵۸ به بعد آیین دادرسی مدنی و نیز ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی، تنها

بحث و نتیجه‌گیری

۱. بهترین تعریف از غضب «الغضب هو استیلاء علی حق غیر عدواناً» است که همان تعبیر شهید ثانی، صاحب ریاض و بسیاری از فقهای حنبلی و برخی از بزرگان شافعی است و اغلب تعبیر معاصرین به آن باز می‌گردد.

۲. از منظر فقهی با وجود آنکه اختلاط مفهوم غضب با ضمان منجر به ارائه تعاریف متفاوت شده است، لیکن واژگان عدوان، تصرف عدوانی و غضب هر یک در لغت و عرف و شرع معنای واحدی دارند.

۳. واژه تصرف عدوانی بعد از شیخ انصاری رایج شده که معادل غضب است و از منظر فقهی نسبت عدوان و غضب و همچنین ضمان و غضب عموم و خصوص مطلق و نسبت عدوان و ضمان عموم و خصوص من وجه است.

۴. با وجود آنکه فقها واگرایی میان غضب و تصرف عدوانی قائل نیستند، لیکن از منظر حقوقی تفاوت‌هایی از جمله در موضوع و شاکی وجود دارد. بنابراین، پیش‌بینی هر دو عنوان در قانون موجه است.

منابع

- ابن ادریس، ابی عبدالله محمد (۱۳۲۱ق). *الانوار لاعمال الابرار*. مصر: المطبعه الکبری الامیریه. چاپ اول.
- ابن حزم، ابی محمد علی (۱۳۵۰). *المحلی*. مصر: المطبعه المنیریه. چاپ دوم.
- ابن قدامه، موفق‌الدین عبدالله (۱۳۸۸ق). *المبدع فی شرح المقنع*. دمشق: المطبعه الاسلامیه.
- ابن منظور، ابی الفضل جمال‌الدین (۱۴۱۶ق). *لسان‌العرب*. بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی. چاپ اول.
- ابن نجار، محمدتقی (۱۳۸۱ق). *منتهی الارادات*. قاهره: مطبعه دار الجیل. چاپ اول.
- ابوجیب، سعدی (۱۴۰۸ق). *القاموس الفقهی لغه و اصطلاحاً*. دمشق: دار الفکر. چاپ دوم.
- ابهری علی آبادی، حمید (۱۳۷۸). «مفهوم و قلمرو غضب در فقه اسلامی و حقوق مدنی ایران». *نشریه مقالات و بررسی‌ها*، شماره ۹۹.

- ابی البرکات، مجدالدین (۱۳۶۹ ق). *المحرر فی الفقه*. قاهره: مطبعه السنه المحمديه. چاپ اول.
- اراکي، محمدعلی (۱۴۱۳ ق). *المسائل الواضحه*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی. چاپ اول.
- الانصاری، یحیی زکریا الانصاری (۱۳۶۷ ق). *منهج الطلاب*. قاهره: مطبعه مصطفى البابی.
- الدردير، احمد (۱۹۷۲ م). *الشرح الصغير*. قاهره: دارالمعارف. چاپ اول.
- الرملي، شمس الدين محمد (۱۳۵۷). *نهايه المحتاج الى شرح المنهاج*. مصر: مطبعه مصطفى البابی. چاپ اول.
- الزبلي، فخرالدين (۱۳۱۳ ق). *تبين الحقائق*. قاهره: المطبعه الكبرى. چاپ اول.
- العنقري، منصور (۱۳۷۵ ق). *الروض المربع شرح زاد المستنقع*. قاهره: مطبعه السنه المحمديه. چاپ دوم.
- الغزناطی، محمد (۱۴۲۳ ق). *القوانين الفقيهيه*. بيروت: المكتبه العصريه. چاپ اول.
- القرافي، شهابالدين (۱۹۹۴ م). *الذخيره*. بيروت: دارالغرب الاسلامی. چاپ اول.
- المرتضى، احمد (۱۳۴۷ م). *البحر الزخار*. مصر: مطبعه السعاده. چاپ اول.
- المرداوی، علاءالدين (۱۳۷۴ ق). *الانصاف فی الراجع من الخلاف*. بی.جا. چاپ اول.
- بغدادی، ابی محمد (۱۳۰۸ ق). *مجمع الضمانات*. دمشق: المطبعه الخیریه. چاپ اول.
- بهجت، محمدتقی (۱۴۲۶ ق). *جامع المسائل*. قم: دفتر معظم له. چاپ دوم.
- جوهری، ابی نصر اسماعیل (۱۴۱۸ ق). *الصحاح*. بيروت: انتشارات دارالفکر. چاپ اول.
- حائری طباطبایی، سیدعلی (۱۴۱۸ ق). *ریاض المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت. چاپ اول.
- حجتی، سیدمهدی (۱۳۸۴). *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*. تهران: انتشارات میناق عدالت.
- حلی، جمالالدين احمد (۱۴۰۷ ق). *المهذب البارع*. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ اول.
- حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ ق). *الجامع للشرائع*. قم: مؤسسه سیدالشهداء العلمیه. چاپ اول.
- خمینی، سید روح الله (بی.تا). *تحریر الوسیله*. قم: مؤسسه دارالعلم. خوانساری، سیداحمد (۱۴۰۵ ق). *جامع المدارک*. قم: مؤسسه اسماعیلیان. چاپ اول.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰ ق). *منهاج الصالحین*. قم: نشر مدینه العلم. چاپ بیست و هشتم.
- رودیجانی، محمدمجتبی (۱۳۹۲). *دعوی تصرف عدوانی در حقوق ایران*. تهران: کتاب آوا. چاپ سوم.
- زراعت، عباس (۱۳۸۳). «تأثیر مالکیت در دعوی تصرف عدوانی». *مجله پیام آموزش*، شماره ۷.
- سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ ق). *مذهب الاحکام*. قم: مؤسسه المنار. چاپ چهارم.
- _____ (۱۴۱۳ ق). *مذهب الاحکام*. قم: دفتر آیت الله سبزواری. چاپ چهارم.
- سبزواری، محمدباقر (۱۴۲۳ ق). *کفایه الاحکام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ اول.
- سمرقندی، مسعود (بی.تا). *صلوه مسعودی*. پاکستان: مکتبه الحقایقه.
- سمرقندی، محمد (۱۴۰۵ ق). *تحفه الفقها*. بيروت: دارالکتب العلمیه.
- سیستانی، سیدعلی (۱۴۲۲ ق). *المسائل المنتخبه*. نجف: مکتب آیت الله سیستانی. چاپ نهم.
- شراذه، عبدالجبار (۱۴۱۴ ق). *احکام النصب فی الفقه الاسلامی*. قم: مرکز نشر دفتر تبلیغات اسلامی. چاپ دوم.
- شکری، رضا (۱۳۸۳). *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی*. تهران: نشر مهاجر. چاپ سوم.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۲). *آیین دادرسی مدنی*. تهران: نشر میزان. چاپ پنجم.
- طباطبایی حکیم، سیدمحمدسعید (۱۴۱۵). *منهاج الصالحین*. بيروت: دارالصفوه. چاپ اول.
- طباطبایی حکیم، سیدمحمدسعید (۱۴۱۰). *منهاج الصالحین*. بيروت: دارالتعارف للمطبوعات. چاپ اول.
- طباطبایی، سیدعلی (۱۴۱۸ ق). *ریاض المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام. چاپ اول.
- طوسی، محمد (۱۴۰۸ ق). *الوسيله الى نیل الفضیله*. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی. چاپ اول.
- طیبرانیان، غلامرضا (۱۳۷۶). *دعوی تصرف*. تهران: انتشارات گنج دانش. چاپ اول.
- عاملی (شهید اول)، محمد (۱۴۱۰ ق). *اللمعه الدمشقیه فی فقه الامامیه*. بيروت: دارالتراث - دارالاسلامیه. چاپ اول.
- عاملی (شهید اول)، محمد (۱۴۱۷ ق). *الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ دوم.

- عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین (۱۴۱۰ ق). *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*. قم: کتابفروشی داوری. چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۳ ق). *مسالك الافهام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه. چاپ اول.
- عبدالرحمان، محمود (۱۴۱۹ ق). *مجمع المصطلحات و الالفاظ الفقهيہ*. قاهره: دارالفضيله. چاپ اول.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ ق). *تبصره المتعلمین*. تهران: مؤسسه طبع و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۰ ق). *تحریر الاحکام*. مشهد: مؤسسه آل‌البيت. چاپ اول.
- _____ (۱۴۲۱ ق). *تلخیص المرام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۳ ق). *قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ اول.
- فاضل مقداد، ابو عبدالله (۱۴۲۵ ق). *کنز العرفان*. قم: انتشارات مرتضویه. چاپ اول.
- فاضل مقداد، جمال‌الدین (۱۴۰۴ ق). *التنقیح الرائع لمختصر الشرائع*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی (ره). چاپ اول.
- فراهیدی، خلیل (۱۴۱۰ ق). *العین*. قم: انتشارات منشورات الهجره. چاپ دوم.
- فرطوسی حویزی، شیخ حسین (۱۴۱۶ ق). *التوضیح النافع فی شرح ترددات صاحب الشرائع*. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ دوم.
- فقعی، زین‌الدین (۱۴۱۸ ق). *الدر المنصود*. قم: مکتبه امام العصر (عج) العلمیه. چاپ اول.
- فیروزآبادی، مجدالدین (۱۴۱۲ ق). *القاموس المحيط*. بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی. چاپ اول.
- فیض کاشانی، محمد (۱۴۱۸ ق). *النخبه فی الحکمه العمليه و الاحکام الشرعيه*. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی. چاپ دوم.
- _____ (بی‌تا). *مفاتیح الشرائع*. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی. چاپ اول.
- قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۴). *تفسیر قانون مدنی*. تهران: انتشارات سمت. چاپ دوم.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق). *تفسیر قمی*. قم: مؤسسه دارالکتاب. چاپ سوم.
- کسانی، ابی بکر (۱۳۲۸ ق). *بلایع الصنائع*. مصر: مطبعه الجمالیه. چاپ اول.
- کاشف‌الغطاء، محمدحسین (۱۳۵۹ ق). *تحریرالمجله*. نجف: المکتبه المرتضویه. چاپ اول.
- کلینی، ابوجعفر محمد (۱۴۱۷ ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ چهارم.
- گلیپایگانی، سیدمحمدرضا (۱۴۱۳ ق). *هدایه العباد*. قم: دارالقرآن الکریم. چاپ اول.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۶). *محمشای قانون مجازات اسلامی*. تهران: انتشارات مجد. چاپ هشتم.
- محقق ثانی، علی (۱۴۱۴ ق). *جامع المقاصد*. قم: مؤسسه آل‌البيت علیه‌السلام. چاپ اول.
- محقق حلی، نجم‌الدین جعفر (۱۴۱۸ ق). *المختصر النافع فی فقه الامامیه*. قم: مؤسسه المطبوعات الدینیہ. چاپ ششم.
- _____ (۱۴۰۸ ق). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان. چاپ دوم.
- مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (۱۴۰۶ ق). *منهاج المؤمنین*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی (ره). چاپ اول.
- مشکینی، میرزا علی (۱۴۱۸ ق). *الفقه المأثور*. قم: نشر الهادی. چاپ دوم.
- _____ (۱۴۱۹ ق). *مصطلحات الفقه*. قم: نشر الهادی. چاپ اول.
- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه (۱۳۸۲). *مجموعه نشست‌های قضایی-مسائل قانون مجازات اسلامی (۳)*. قم: دفتر بررسی و تدوین متون آموزش. چاپ دوم.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ ق). *فقه الامام الصادق علیه‌السلام*. قم: مؤسسه انصاریان. چاپ دوم.
- مقدس اردبیلی، احمد (۱۴۰۳ ق). *مجمع الفائدة و البرهان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ اول.
- مهبیار، رضا (۱۴۱۰ ق). *فرهنگ ابجدی عربی - فارسی*. تهران: انتشارات اسلامی. چاپ اول.
- میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۴۲۰ ق). *مناهج الاحکام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ اول.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ق). *جواهر الکلام*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی. چاپ هفتم.

COPYRIGHTS

© 2022 by the Authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)

